

# ایران

صاحب امتیاز:
فرزگراری جمهوری اسلامی

آذان ظهر ۱۲/۰۹ | آذان مغرب ۱۷/۲۳ | نیمه شب شرعی ۲۳/۲۴ | آذان صبح فردا ۵/۴۵ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۵

امام‌جواد(ع):

بدان که از دید خداوند پنهان نیستی، پس بنگر چگونه ای...

**سخن روز**

**تحف العقول**ص/۴۵۵

**نگاره**

کیان رادپویان



دانشمندان ارتباطی بین مصرف

کافئین و کمبود ویتامین دی کشف کردند



**هنرمندان در فضای مجازی**

**فضای مجازی همزمان با آغاز سال نو میلادی، لبریزبود از آرزوها و امیدهای جمعی برای سالی بهتر از آنچه در ۲۰۲۱ شاهدش بودیم. بیشتر هنرمندان و چهره‌های سرشناس ابراز امیدواری کردند که در سال پیش رو بیروس کرونا برای همیشه سایه‌اش را از سر مردم دنیا کم کند و روزهای بهتری در انتظار همه باشد.**

چهره‌ها



قدیمی دوست هنرمندم پیام ایرانی، از روزهایی که با وجود آنکه ایده‌آل نبودند و مشکلات هم بود، اما با این روزهایمان بسیار بسیار متفاوت بودند؛ برای همه شما عزیزان آرزوی روزگارتی بهتر دارم.»

**امیرشهاب رضویان** کارگردان و فیلمنامه‌نویس ایرانی هم به بهانه سال نو میلادی یکی از نقاشی‌هایش را در اینستاگرامش منتشر کرد و نوشت: «جشن سال نو در آمستردام. این نقاشی را در ژانویه ۱۹۹۷ ای ماه ۱۳۷۵ در آمستردام کشیدم. جشن سال نو در هوای سرد هلند.»

**احسان خواجه‌امیری** خواننده کشورمان با انتشار ویدیویی در اینستاگرام، تولد پدر و مادرش را تبریک گفت و برایشان نوشت: «مادر جان پدر عزیزم تولدتون مبارک. در پناه خدا سالم و خوشحال باشین انشاءالله، سایه‌تون رو سرم باشه دوستتون دارم.» احسان فرزند ایرج، خواننده قدیمی موسیقی سنتی ایرانی است.

**حمیدرضا شاه‌آبادی** پژوهشگر تاریخ، داستان‌نویس در اینستاگرامش متنی کوتاه منتشر کرده درباره تلسکوپ جیمز وب که پیش‌تر در یکی از زمان‌هایش به‌گفته خودش آن را تصور کرده است. شاه‌آبادی نوشته «این روزها موضوع تلسکوپ جیمز وب که به ماشین زمان معروف شده، حسایی سر زبان‌هاست. به اعتقاد بعضی، این شاید مهم‌ترین اتفاق علمی تاریخ بشر باشد. اتفاقی که می‌تواند موجب آشنایی خیلی بیشتر و دقیق‌تر ما با تاریخ بسیار کهن بشر باشد. بدنیست بدین‌من در زمان (الالایی برای دختر مرده) این تلسکوپ را تصور کرده‌بودم.»

**بیژن بیژنی**، خواننده و خوشنویس ایرانی که به تازگی نمایش «فروگاه، پرواز ۷۰۷» را تماشا کرده، به خطی خوش متنی را در اینستاگرام منتشر کرده و نوشته: دوست عزیز و هنرمندم جناب کورش سلیمانی، با درود و مهر و آرزوی تندرستی و سلامتی برای چنایعالی امیدوارم همواره برای تعالی تئاتر سرتز زمینم کوشا باشید، نمایش پرواز شماره ۷۰۷ به کارگردانی حضرت‌تعالی را به همراه همسرم و دخترم تماشا کردیم و همین‌طور بازی زیبا و صمیمی هنرمندان این نمایش را. ابتدا باید از دوست عزیز و شاعر هم‌روزگارم استاد احمدرضا احمدی که نویسنده این نمایش بود، یک جهان‌سپاسگزاری کنم و همین‌طور از صدای زیبای شما که گوینده رادیو در این نمایش بودید، برایم بسیار دلنشین بود. شورو شوق شما به تئاتر و کارگردانی بسیار ستودنی است. سپاس دیگری دارم برای بازی بازیگران این نمایش که همگی درخشیدند. امیدوارم شاهد کارهای درخشان شما در آینده تئاتر ایران باشم.»

سینما سینما

**فرزاد مؤتمن** کارگردان کشورمان در اینستاگرامش مفصل درباره سینمای پل شیردرو یکی از فیلم‌های مهمش «رستاخیز آدم» نوشته است. در بخشی از این نوشته آمده: «رستاخیز آدم یکسره راه دیگری را می‌رود و پیش از هر چیز یادآور فلینی است، با این تفاوت که لحن شوخ، کاریکاتوری و هزل گونه‌مثلا «هشت و نیم» در این فیلم جای خود را به جهانی بسیار تیره و تار، عبوس و ولیشت داده. نکته‌ای که اگر آن را تشخیص ندهیم، ممکن است فیلم را غیرمنصفانه گیج و مبهم ارزیابی کنیم. هر چند نزدیک شدن به فضاهای فلینی، عواقبی دارد که یقنه این فیلم را هم گرفته است. چنین فیلم‌هایی در همان نگاه اول، از آثار «پدرشان» بسیار عقب می‌مانند. نقش آدم را جف گلدبلوم بازی کرده که درباره‌اش همین‌قدر بگویم اسکار بهترین بازیگر مرد سال ۲۰۰۸ که به دانیل دی لویس داده شد، می‌توانست با دلی قرص به اوبرای این فیلم تعلق بگیرد.»



## هم آقازاده‌ام و هم شریف‌زاده

**حسین دارابی**: هفته گذشته بی‌بی‌سی فارسی در خبری، به دروغ مرا فرزند آقای علی دارابی معرفی کرد؛ فرزند معاون اسبق سیما در تلویزیون و یکی از معاونان وزارت گردشگری در حال حاضر. من تا به حال ایشان را از نزدیک ندیده‌ام و طبیعتاً با ایشان هیچ گونه نسبت نسبی یا سببی ندارم. اینجا دوباره و با شفافیت هر چه بیشتر، برابم واضح شد که بی‌بی‌سی بنگاهی است که بر خلاف ادعایش، کمترین اعتنالی به صداقت و درستکاری ندارد و جایی از دستش بریابید از دروغگویی ابایی نخواهد داشت. این چندمین باری است که بنده را «آقازاده» و صاحب رانت می‌خوانند. دفعات قبل البته موضوع از طرف اشخاصی با دامنه محدود مخاطب یا در کامنتی زیر یک خبر مطرح می‌شد. اما این بار موضوع در رسانه‌ها منتشر شده و لازم است واضح بگویم که بله آقایان.. البته که «آقا»زاده هستم و نه تنها «آقا» زاده‌ام که «شریف»زاده هم هستم، و «نجیب»زاده هم.



بخشی از یادداشت این کارگردان به نقل از مهر

## ضرورت نگرش جدید به هنر

داستان کرونا تمام نشده است. برخلاف نظر بسیاری، کرونا خودش معلول مجموعه‌ای از مشکلات جامعه بشری است. ما با محیط زیست خوب تا نکرديم و مثل یک رقیب و دشمن آن را از میدان به در کردیم. باید نگاه‌مان را به جهان عوض کنیم نگرش خود را تغییر دهیم، چرا که محیط زیست در حال از دست رفتن است و اقتصاد توان چرخاندن چرخش را بدون مصرف بی‌رویه منابع طبیعی ندارد. با این نوع شیوه اقتصادی نئولیبرال‌ها و با این شیوه نگاه به طبیعت و جنگ قدرت‌ها ما دچار بحرانی هستیم که شاید در سرتاسر طول تاریخ جهان سابقه نداشته باشد. اگر به شرایط نگاه کنیم متوجه نتیجه شرایط، سرخوردگی، بیکاری و فقر و خشم مردم می‌شویم. زمانی که به رفتار بشر در سال‌های اخیر نگاه می‌کنیم متوجه یک بحران عاطفی گسترده فراگیر می‌شویم که نتیجه‌اش می‌تواند فروپاشی روابط اجتماعی و جنگ و بی‌رحمی فرزندان باشد.

بخشی از علت این بحران عاطفی این است که در ۲۰۰ سال گذشته پا به پای رشد علوم و تکنولوژی جریان‌های متصل به عاطفه و مشخصاً هنر رشد نکرد. انسان یک بخش ذهنش رشد یافته است ابزار و امکانات و توان عمل دارد اما شیوه تصمیم‌گیری و بلوغ عاطفی اش خیلی وقت‌ها رشدی نارس دارد. این موجودی که یک طرف سرش سنگین و یک طرف دیگر سبک است، قابل اعتماد نیست. و هیچ راهی وجود ندارد مگر آموزش مبتنی بر عاطفه. باید نقش انسان در مشارکت شهروندی را جدی گرفت تا انسان رشد کند.. ما همان اندازه که به تربیت یک فرد متخصص فکر می‌کنیم باید به رشد قابلیت‌های فردی و احساس مسئولیت هم‌دلی، جمع‌پذیری و تعهد هم فکر کنیم و اینها بدون هنر میسر نیست.

اتفاقی که افتاده این است که بحران کرونا بخوبی نشان داد که هنر امروز که دستاوردهای تخصصی و تکنولوژی بالایی هم دارد هنری بوده که عملاً در خدمت جریانی است که جهان را به لبه پرتگاه می‌برد. ابعاد و مضامین و شیوه برخورد و مخاطبان و خریدارانش از این هنر پدیده خرد و کوچک و غیر مسئولی ساخته است.

به بهانه انتشار ترجمه‌ای تازه از «زیباترین کتاب دنیا»

اثر اریک امانوئل اشمیت

### به امضای درد

ادبیات می‌کوشد روایتی تجربه‌نشده از جهان بنویسد. روایتی که در آن انسان به اعتبار زیستی مؤلف با جهان مواجه می‌یابد. تودیع الگوهای فرسوده و معارفه با فهم متفاوت خالق و مخلوق به همین اعتبار اتفاق می‌افتد. وجه نشاط‌آفرینی که بسامد بالای آن در برخی متون به امضای مؤلف بدل شده و به عنوان شناسه‌ای نوشتاری و معرفتی کارکرد پیدا کرده است. این معاصرت زیستی و هوشمندی در تعریف متمایز جهان، اسباب اشتهار و اعتبار «اریک امانوئل اشمیت»

در میان مخاطبانش شده است. او با رونوشت‌نویسی از آدم‌های هم‌روزگار خود، مصایب معاصر را مرور می‌کند و هر تغییر و تصحیحی را مستخرج از وضعیت روحی و روانی می‌داند. آدم‌های متون اشمیت؛ متأثر از افسردگی‌ها، تنهایی‌ها، سرگردانی‌ها و تردیدهایند که تضادهای زیستی غلبه‌کننده‌ای را بر خویش تجربه می‌کنند. اشمیت؛ آگاهانه، وخیم بودن وضُعیّت‌های انسانی را گزارش می‌کند و با طرح عریان رنج‌ها و پریش‌گری‌های فلسفی، اندیشمیدن را نسخه شفافیش می‌داند.

سرنوشت‌سازی‌های غافلگیرکننده از مهارت‌های اوست که به کمک اعجاز نثر شاعرانه، بیشترین قرابت میان شخصیت‌ها و مخاطب را رقم می‌زند. در دنیای داستان‌های او همه نمایندگان طبقات اجتماعی حضور دارند و همین به باورپذیرتر کردن متون او ختم می‌گردد. جهان او یک‌سره جهان سیاهی‌ها نیست و همچنان که دردها و دشواری‌ها را یادآوری می‌کند؛ اشاراتی زیرکانه به روشنی و رنگاری دارد. در واقع آن لیخند رضایت در بارش اندوه، پاداش مخاطبی ست که قدم به قدم گریسته است و درد کشیده است. «نثر کتاب دیدآور» با تأکید بر ضرورت ترجمه حرفه‌ای آثار داستانی در سلسله دفاتری از داستان‌های جهان و از ادبیات فرانسه، اثر «زیباترین کتاب دنیا» اریک امانوئل اشمیت را با ترجمه «پروانه عزیزی» منتشر کرده است که دربرگیرنده هشت داستان کوتاه است. ترجمه روان، ویرایش وزین و تولید حرفه‌ای اثر این کتاب قابل تحسین است. «زیباترین کتاب دنیا» اشتراکات محتوایی مشهودی با روایات مثنوی معنوی مولوی دارد که مرهون هم‌جهانی او با عرفان شرق و زمینه‌های مطالعاتی در میراث منثور و منظوم ادبیات فارسی است. با مرور بندی از همین داستان، آرزو می‌کنم مرور آثار نویسندگان جهان به جهانی‌تر شدن ادبیات ما بینجامد. در روزهای بعد اندازه‌گرفتن میزان شادی آن زن‌هایی که دل شان گرم شده بود کار سختی بود. با سرب آن مداد کوچک آنها بار دیگر قلب‌شان را، پیوندهای خود را با جهان قیل، پیدا کردند. راهی برای در آغوش گرفتن فرزندان شان. به نظر نمی‌رسید اسارت دیگر برای شان دشوار باشد. احساس گناه هم همین طور...

### یادداشت



حمیدشناس مجسمه‌ساز

در نتیجه امروزه بحث این است که آیا کرونا را باید نادیده گرفت؟ منتظر حل آن بود یا به راه قبلی ادامه داد یا هنرمند، مردم و مسئولان می‌خواهند که بزرگتر و عمیق‌تر دیده شوند و در تغییر انگیزه‌های انسانی از معیارهایی مثل موفقیت، بر اساس مبارزه و ستیزه دست بردارند و شیوه‌های همزیستی و انسانی زندگی کردن را آموزش دهند. بنابراین امروزه نه تنها این نیاز مبرم است بلکه بواسطه دلایل متعددی مثل رشد تکنولوژی، میزان تولیدات انسانی علم و آگاهی و معلوم شدن معضلاتشان شرایط تغییر انگیزش انسانی هم وجود دارد. به جای جنگ و روش‌های خشن که بخواهیم راهمان را باز کنیم، ما در مقطعی از تاریخ هستیم که می‌توانیم یاد بگیریم از طریق رفتارهای همراهی و مسالمت آمیزی‌توان به بهترین نتیجه رسید. در نتیجه جهان امروز در این مقطع قرار دارد و باید شیوه نگرشش را به مهم‌ترین انگاره‌های ذهنی برای رشد تغییر دهد.

حال سؤال اینجاست که آیا اثری از این اتفاق عظیم و بزرگ از این بحرانی که در تاریخ کم سابقه است در آثار هنری هست؟ آیا اگر ۵۰ سال دیگر آثار امروز را ببینند می‌توان گفت که این آثار برای دوران ماقبل کرونا بوده است؟ آیا کسی فکر نمی‌کند که چه چیزی عظیم‌تر از اتفاقاتی است که زندگی همه را به لرزه در می‌آورد و مفهوم زندگی، مرگ، ایمنی و موفقیت و مبارزه را به چالش می‌گیرد آیا نباید در آثار هنری متجلی شود. وقتی در نمایشگاه‌ها این اتفاق نمی‌آیدت و به نظر می‌آید هنر به مجموعه‌ای از قلق، روش و ساختارهای متنوع از زندگی تبدیل و تکرار می‌شود. اساساً هنر تجسمی چندرغفیم عمل می‌کند مسأله اصلی این نیست که گالری‌ها باز شدند یا نه. گالری‌ها مدت‌های طولانی عبارت بودند از مکانی که آدم‌ها به آنجا بروند و تابلوها زمینه‌گالری شوند و مجموعه داران هم آثارشان را بخرند و تبدیل شده بودند به یک فضای بسته کوچک در بین یک گروه هنرمند و گروه کوچکی از مخاطبانشان. امروزه باید این چالش شکل بگیرد که رفتارهای دیگری می‌توان در هنر داشت مثل رفتارهایی در هنر مشارکتی، هنر زمین، هنر بازیافت و هنرهایی که مبتنی بر فعالیت توده‌های وسیع مردم و انتقال خود خلاقیت به مردم باشد نه نتیجه و دستاوردهای خلاقیت. اینکه هنر فعال می‌شود یا نمی‌شود جوابگوی مشکلات جوامع بشری و جامعه ما نیست.

### کتاب‌هایی که

### هنوز برابم جذابیت دارد

شما کتاب را در اوراق چاپ شده می‌خوانید، من در متن جاری جامعه زیاد کتاب نمی‌خوانم؛ یعنی می‌خوانم اما نه به طور کلاسیک و مرسوم. شما کتاب را در اوراق چاپ شده می‌خوانید، من در متن جاری جامعه. هر دو یک معنی را جست‌وجو می‌کنیم؛ اما هر کدام به طریقی. سال‌ها پیش دو کتاب از میان کتاب‌های چاپی‌ای که شاید شما هم خوانده باشید ذهن مرا مشغول کرد. به طوری که هنوز هم برابم جذابیت دارد. اول، کتاب «درخت پرتغالی زیبای من» نوشته ژوزه مانورو ده واسکونسولوس

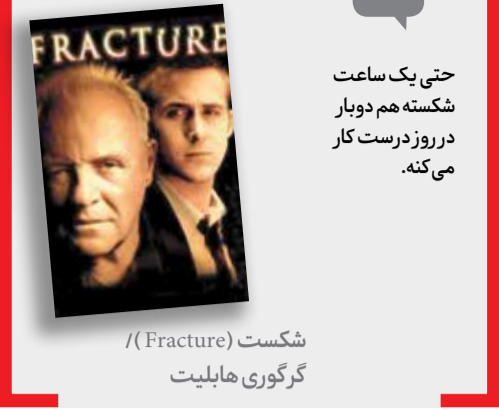
نویسنده دورگه سرخ‌پوست– پرتغالی است و ترجمه قاسم صنعوی. نمی‌دانم کتاب موجود، هنوز هم همانی است که من خوانده‌ام یا به مرور دچار دستکاری شده و احتمالاً بخش‌هایی از آن حذف شده باشد. چون عکس روی جلد کتابی که من خوانده‌ام با آنچه اکنون موجود است خیلی متفاوت است.

اما اگر همانی باشد که منظور من است لحظه به لحظه‌اش تصویر ناب است و حال و کشف دنیای زیبای کودکانه کودکی که قهرمان قصه است.

و دومین کتاب، «از کوچه زندان» نوشته استاد دکتر غلامحسین زرین کوب است. این کتاب درخصوص حافظ شیرازی و رمز و رازهای اشعار و افکار و نگاه‌های متفاوت به این شاعر بزرگ تحریر شده است. «از کوچه زندان» کتابی بود که مرا کاملاً با حافظ آشنا کرد و مرید.

### عکس نوشت

**آیین نکوداشت ملک جهان خزاعی**
**طراح صحنه و طراح لباس پیشکسوت سینمای ایران، عصر جمعه دهم دی ماه ۱۴۰۰ در سالن سینما توگراف موزه سینما، با حضور هنرمندان و سینماگران برگزار شد. / ایسنا**



حتی یک ساعت شکسته هم دوبار در روز درست کار می‌کنه.

شکست (Fracture) /

گروگری هابلیت

### سال نو میلادی و جست‌وجوی معنویت گم شده

سال نو مسیحی با منشأ سالروز میلاد عیسی مسیح(ع) پیامبر بزرگ الهی آغاز شد. منشأیی که نشان از گرایش عمومی بشریت به ایمان معنوی دارد. ایمانی که در جوهره آدمی ریشه داشته و انسان را به مجاهده در راه کسب فضیلت وامی‌دارد.

صفحات تاریخ مؤید این واقعیت است که بشریت هیچ‌گاه تهی از معنویت‌خواهی نبوده و از مدار عقل و اخلاق به کلی خارج نشده است. بدین سان بشریت همواره در راه کسب معنویت تلاشی نستوه داشته و در پی فتح مقامات معنوی برآمده است. معنویت به‌طور کلی در آهنگی موزون به رشد و پرورش فضیلت‌های اخلاقی مدد رسانده و انسان را از سقوط کامل به ورطه رذایل مصونیت می‌بخشد و سرنوشت نوع بشر را به خیر و رستگاری منتهی می‌نماید.شاهد بسیاری نشان از آن دارد که انسان نمی‌تواند بدون اتکا به ایمان معنوی که ریشه در سرشت آدمی دارد به حیات خود ادامه دهد. از این‌رو به منظور کسب فضیلت و به دست آوردن قدرت سرکوب خوی سرکش به ایمان معنوی پناه برده و با ایجاد تعادل در رفتار فردی و اجتماعی خود را از محیطی یکسره آلوده به پلیدی دور می‌سازد.

معنویت رکن استمرار اجتماعات بشری است و شکل‌گیری تقویم اکثریت جمعیت زمین با خاستگاهی معنوی نشان از این نیاز بشری دارد که اساس حیات بشری به گونه‌ای شکل گرفته که کسب فضیلت و ملکات اخلاقی و معنوی در دسترس باشد.

بویژه آنکه آیین عیسی مسیح(ع) دل‌ها را به دوستی و محبت نسبت به همنوع هدایت کرده و میلاد حضرتش به عنوان یکی از پیامبران می‌تواند زمستان را به بهار رشد و شکوفایی معنوی بدل کند. جهان مسیحیت برای دستیابی به نیاز معنوی خویش، به تکاپوهای بسیاری وادار شده که در تازه‌ترین راهکار به «الهیات رهایی‌بخش» دست یافته است.خاستگاه اولیه این گرایش امریکای لاتین بوده و تأکید بر حضور دین در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی دارد.این گرایش مذهبی، مهم‌ترین ریشه‌های تاریکامی و بدبختی جوامع فقیر منطقه امریکای لاتین را حکومت‌های خودکامه و وابسته به ابرقدرت‌های بزرگ می‌داند و وظیفه کلیسا را حمایت از محرومان و مقابله با ظالمان برمی‌شمرد، تا بدین صورت همگان را به رهایی و ملکوت آسمانی رهنمون شود. این الهیات، طبق نظرات رایج مسیحی، بر مظلّم دیکتاتورها سرویوش نمی‌گذارد؛ فقر را جزو مقدرات الهی ندانسته و بر ضرورت فقرزدایی و استقلال از طریق مبارزه و آموزش پافشاری می‌کند و راه رهایی همگان و رسیدن به ملکوت آسمان را «تلازم عدالت و معنویت» می‌داند. برقراری عدالت اجتماعی و تأکید بر حضور اجتماعی دین در عرصه اجتماع و سیاست مهم‌ترین ویژگی‌های این الهیات است که نظر بسیاری از محققان را به تحقیق و پژوهش در این خصوص جلب کرده است. گرچه از سوی قدرت‌های بزرگ، از جمله امریکا تلاش‌های فراوانی در صدد تضعیف و انحراف این نهضت در حال انجام است.

جنبش معنویت‌خواه جهان مسیحیت که از آن با عنوان «الهیات رهایی‌بخش» نیز یاد می‌شود، رویکرد خاصی از الهیات است که قائل به مداخله در امور سیاسی در باب فقرزدایی و ظلم‌ستیزی است که در امریکای لاتین بنیان گذاشته شد. الهیات رهایی‌بخش تلاشی است تا به آموزه‌های کتاب مقدس در مسیحیت اولیه باز گردد. در الهیات رهایی‌بخش، اعتقاد بر این است که مهم‌ترین اعمال خدا در کتاب مقدس اعمالی است که با نجات بشر از ظلم، بردگی، تبعید و گناه سروکار دارد. بر پایه این نظر و باور، خدا ارتباط ویژه‌ای با فقرا و مستضعفان هر جامعه‌ای دارد. بنابراین الهیات رهایی‌بخش با نوعی تعهد در برابر فقرا و مبارزه برای آنان آغاز شده و الگوی اصلی خود را در حیات عیسی مسیح(ع) می‌یابد. با این عنوان که (او)ع همه مسیحیان را به ریشه کن کردن هر نوع ظلمی فراخوانده و عقیده به آمدن موعود را پشتوانه آن قرار داده است. حضرت عیسی مسیح(ع) درآخرین سخن خویش به یارانش در شام آخر فرمود: «دعا کنید تا وسوسه‌ها بر شما چیره نشوند.» و ضمن تأیید تورات بر آمدن موعود بعد از خودش بشارت داد. همان کسی که در انجیل از آن با عنوان «تسلی‌بخش» یاد شده است.

